

کدام صالحی؟



مهرداد جعفری
خبرنگار گروه فرهنگ

«تئاتر لاکچری تیر خلاص به این هنر مردمی است، اداره کل هنرهای نمایشی با هم‌اندیشی و همیاری خانه تئاتر، حریم صحنه را از انصافیت دهنده، اینها جمالتی بود که سیدعباس صالحی در بیستم مهر سال ۱۳۹۷، وقتی که وزیر ارشاد بود آنها را در شبکه اجتماعی توئیتر منتشر کرد. او بر کرسی وزارتخانه‌ای نشسته بود که وارث یک اقتصاد سیاسی آفشیده به پول‌های مبهم و مشکوک بود و بعدها در جریان بررسی یک‌سری از پرونده‌های مرتبط با صندوق ذخیره فرهنگیان و بانک سرمایه، آلوده بودن منابع بسیاری از پروژه‌های سینما و شبکه نمایش خانگی مشخص شد. مساله تئاتر لاکچری را باید در همان بستر دید و فهمید، اصلی‌ترین چهره‌ای که برپا دارند به ساط تئاتر لاکچری در ایران به حساب می‌آید همان کسی بود که به عنوان مدیرکل دفتر شبکه نمایش خانگی وزارت ارشاد، از مهم‌ترین حامیان پروژه «شهرزاد» هم به حساب می‌آید، یعنی حسین پارسیایی. سریال «شهرزاد» در میان تمام پروژه‌هایی که محمد امامی سرمایه‌گذارشان بود، به اصلی‌ترین پروژه‌ای تبدیل شد که در مورد آلودگی هنر فیلمسازی به پول‌های ناسالم مورد توجه افکار عمومی و رسانه‌ها قرار گرفت و جنبه نمادین پیدا کرد. امامی بعدها در مصاحبه‌ای با روزنامه شرق گفت در سال ۱۳۹۵، سرمایه‌گذار تئاتر «البور تویست»، به کارگردانی حسین پارسیایی بوده است. این یک سند واضح بود که در شرایط عادی می‌توانست برای پارسیایی در جایگاه مدیرکل دفتر

نمایش خانگی وزارت ارشاد مشکل‌ساز شود و او را در مظان این اتهام قرار دهد که از جایگاه مدیریتی‌اش برای ارتباط با یک سرمایه‌گذار استفاده کرده تا پول را به جای دیگری در بخش خصوصی ببرد. در حقوق خصوصی به چنین چیزی «ایفای ناروا» گفته می‌شود و می‌بایست حسین پارسیایی بابت آن مورد پرسش قرار می‌گرفت اما وقتی بعدها مشخص شد محمد امامی فعالیت‌های اقتصادی غیرقانونی داشته و از همان منابع، مبالغی را در سینما و نمایش خانگی صرف کرده و شروع این جریان در دورانی رقم خورده بود که نمایش خانگی زیر نظر پارسیایی اداره می‌شد، طبیعتاً بحث از اتهام ایفای ناروا فراتر می‌رود و مستلزم بررسی جدی‌تری می‌شود. اینها همه مربوط به قبل از دوران وزارت سیدعباس صالحی می‌شود و او وقتی بر سر کار آمد، پارسیایی همچنان در سمت مدیرکل دفتر نمایش خانگی، مستند و کوتاه این وزارتخانه بود. پارسیایی این بار بعد از بازداشت دوم امامی که تا زمان برگزاری دادگاه و سپس زندانی شدنش ادامه پیدا کرد، تئاتر لاکچری دیگری به نام «بنویانان» را روی صحنه برده بود که یکی از نام‌های پرحاشیه دیگر در عرصه سرمایه‌گذاری سینما، سرمایه‌گذار آن بود. همین‌جا بود که صالحی در جایگاه وزیر ارشاد به قضیه واکنش نشان داد و هم موضع کلی‌اش درخصوص پدیده‌ای را که به تئاتر لاکچری معروف شده بود، بیان کرد و هم از مجموعه تحت‌امرش خواست با این جریان برخورد شود، اما با اینکه عامل اصلی روی صحنه رفتن این نمایش یکی از مدیران همان وزارتخانه بود، هیچ اتفاق خاصی رخ نداد. در نوشتن این توئیست کوتاه هم به اداره کل هنرهای نمایشی بود که جزئی از معاونت هنری وزارت ارشاد و در آن زمان و تحت

مدیریت سیدمجتبی حسینی بود. به عبارتی صالحی فرمان‌مدیریتی‌اش را به شکل سرگشاده و در فضای عمومی بیان کرد تا حتی اگر اتفاقی در مورد این قضیه نیفتاد، او برای ثبت در تاریخ گفته باشد که موضعش با مدیرانی در همان مجموعه ارشاد مثل پارسیایی و حسینی متفاوت بوده است. امروز در شرایطی آن وقایع را مرور می‌کنیم که هم محمد امامی در زندان است و هم حسین پارسیایی از کار در وزارت ارشاد بازنشسته شده، اما یادآوری این قضیه از جهت دیگری اهمیت دارد. چنانکه مشخص است بسیاری از مشکلاتی که در دوره تصدی‌گری عباس صالحی بر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایجاد شد، برآمده از ویژگی‌های شخصیتی او نیست و حتی می‌شود از این گزاره دفاع کرد که بسیاری از نظرات وی در حوزه فرهنگ، اصولی، سازنده و مفید هستند اما مساله اینجاست که چه میزان از این نظرات در مجموعه تحت‌مدیریت صالحی پیاده می‌شوند و آیا از این لحاظ دوره اول وزارت او با دوره دوم تفاوت می‌کند یا نه؟

مدیریت سیدمجتبی حسینی بود. به عبارتی صالحی فرمان‌مدیریتی‌اش را به شکل سرگشاده و در فضای عمومی بیان کرد تا حتی اگر اتفاقی در مورد این قضیه نیفتاد، او برای ثبت در تاریخ گفته باشد که موضعش با مدیرانی در همان مجموعه ارشاد مثل پارسیایی و حسینی متفاوت بوده است. امروز در شرایطی آن وقایع را مرور می‌کنیم که هم محمد امامی در زندان است و هم حسین پارسیایی از کار در وزارت ارشاد بازنشسته شده، اما یادآوری این قضیه از جهت دیگری اهمیت دارد. چنانکه مشخص است بسیاری از مشکلاتی که در دوره تصدی‌گری عباس صالحی بر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایجاد شد، برآمده از ویژگی‌های شخصیتی او نیست و حتی می‌شود از این گزاره دفاع کرد که بسیاری از نظرات وی در حوزه فرهنگ، اصولی، سازنده و مفید هستند اما مساله اینجاست که چه میزان از این نظرات در مجموعه تحت‌مدیریت صالحی پیاده می‌شوند و آیا از این لحاظ دوره اول وزارت او با دوره دوم تفاوت می‌کند یا نه؟

مسیری سخت



مهدی جعفری
خبرنگار گروه فرهنگ

بالاخره بعد از یک‌ماه فراز و نشیب، رئیس‌جمهور وزاری پیشنهادی خودش را به مجلس معرفی کرد و بعد از رد شدن بسیاری از اسامی، بالاخره سیدعباس صالحی به عنوان گزینه این وزارتخانه انتخاب شد. شاید زمانی که وارد حوزه علمیه می‌شد، فکر نمی‌کرد روزی سکاتدار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باشد. سیدعباس صالحی در دولت یازدهم معاون فرهنگی بود و در دولت دوازدهم به عنوان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی انتخاب شد. او در سال ۱۴۰۰ و در اوج کرونا و تعطیلی برنامه‌های فرهنگی و هنری، وزارتخانه را به محمد مهدی اسماعیلی تحویل داد و حالا بعد از سه‌سال دوباره به آن ساختمان برمی‌گردد تا مدیریت بخش مهمی از فرهنگ کشور را به دست بگیرد.

شفافیت و رشد فرهنگ

چهارسال حضور در معاونت فرهنگی و مدیریت حوزه نشر و کتاب، به او در سکاتداری وزارت ارشاد کمک کرد اما مشکلات هم کم نداشت. همان ابتدای راه وقتی برای رای اعتماد به مجلس رفت، سعی کرد برنامه‌های شفاف باشد؛ فرهنگ را به‌مثابه سبک و سلوک همزیستی اجتماعی، روح تمدن‌های بشری تعریف می‌کرد که اگرچه ریشه در میراث گذشته دارد اما نمو و تعالی آن در نقاط تلاقی خلاقیت‌های زیباشناسانه و مناسبات افراد و گروه‌های انسانی صورت گرفته و همین فرهنگ می‌تواند عامل پیشرفت و توسعه در جامعه شود.

او در همان برنامه‌ای که به مجلس ارائه داد، عوامل دخیل در تغییر و تحولات فرهنگ را با توجه به اوضاع همان زمان وزارت ارشاد و چهارسالگی که در دولت یازدهم گذرشته بود، ترسیم کرده و معتقد بود تغییر و تحولات فرهنگی چون حرکت شتاب‌دهنده‌ای دارد مناز از سه‌گروه‌های کشتی‌کاران (کشتی‌کاران مردمی و عمومی و کشتی‌گانی) و کشتی‌گران جهانی است. البته عوامل مهم دیگری مانند فناوری و شرایط جغرافیایی را هم در این حرکت مهم می‌داند. در ادامه این برنامه، سیدعباس صالحی سیاستگذاری فرهنگی؛ رسالت حکامیت در تحولات فرهنگ، سیاستگذاری فرهنگی به‌مثابه فعل حقوقی مداخله حکامیتی در تحولات فرهنگی کشور را از چند منظر مهم می‌داند و ساخت‌هایی را برای آن تعریف کرده است. با همین موارد می‌توان فهمید او در برنامه‌ای که برای مدیریت چهارساله فرهنگ در آن زمان داشت، به‌دنبال حل مساله برای تحولات فرهنگی بود تا این موضوع را بتواند ریشه‌ای حل کند. اما طبیعتاً کار اجرایی با مطالب روی کاغذ متفاوت است و نمی‌توان همان روی کاغذ را به اجرا رساند. البته دوماً آخر دولت و مشکلات کرونا کار را برای وزارت او سخت‌تر کرد.

۲ عارضه دولت و فرهنگ

کتاب «به سوی دولت فرهنگ» که تجربیات چهارسال وزارت فرهنگ در دولت دوازدهم است با تشریح اتفاقات این سه‌سال در حوزه‌های مختلف سعی کرده راهی را برای دولت در حوزه فرهنگ بگوید. در بخشی از کتاب وقتی نگارنده از او درباره ارتباط و مناسبات فرهنگ و هنر با دولت می‌پرسد در پاسخ دو عارضه برای این موضوع را مطرح می‌کند و عارضه اول را تصدی‌گری گسترده نظام دولتی در حوزه فرهنگ می‌داند و می‌گوید: «ازجمله ویژگی‌های فرهنگ این است که مسیر پایداری را می‌طلبد. استمرار پیدا کند.»

او در ادامه فرهنگ را متفاوت با حمل‌ونقل و راهسازی می‌داند و معتقد است وقتی فرهنگ باعث مشکلات می‌شود و می‌گوید: «البته در سراسر زندگی اجتماعی کامیاب با چنین مشکلی مواجهیم، حتی در حوزه‌های اقتصادی هم نهاد‌های مدنی و نظام‌های صنفی آن‌طور که باید و شاید استقرار پیدا نکرده‌اند، اما در حوزه فرهنگ می‌بینیم که این مساله عمیق‌تر است. ضرورت این پدیده

به‌خاطر همان نگاهی است که عرض کردم مردم باید خودشان عهده‌دار عرصه فرهنگ باشند، نهاد‌های مدنی و صنفی، قدرت جمع‌سازی و فرایندسازی انرژی مردم را دارند، یعنی انرژی مردم در نهادهای مدنی و صنفی تجمیع می‌شود و قدرت مضاعف پیدا می‌کند. وقتی نهاد‌های مدنی و صنفی حوزه فرهنگ و هنر ضعف دارند یا استقرار پیدا نکرده‌اند، طبیعی است که آن نقش مردمی هم نقش حداقلی می‌شود.»

ممیزی و مرقانون

یک‌چالش برای سیدعباس صالحی بحث ممیزی و سانسور بود. البته او در زمان معاونت فرهنگی هم با این مساله روبرو شده بود و برایش بیگانه نبود، زمانی که به وزارت ارشاد رسید، سوال تکراری اکثر رسانه‌ها بر همین مدار ممیزی می‌چرخید. در گفت‌وگویی که با روزنامه سازندگی در سال ۱۳۹۸ داشت، از او درباره فلسفه وجودی سانسور در وزارت ارشاد می‌پرسند او پاسخ به این سوال را شامل دو بخش می‌داند و می‌گوید: «در بخش اول نظام نظارتی بر مبنای قواعد و قوانین موجود است و آنچه اتفاق می‌افتد، امری قانونی است، اما مطلب دوم اینکه هر قانون باید به اثرگذاری‌اش فکر کند و از لحاظ نحوه اجرا به نقطه اثر بخشی برسد. تحولاتی که در فضای جاری اجتماعی پدید آمده که ما باید اهداف نظام ممیزی را مطابق با آن تحولات، تغییر دهیم و به‌روزرسانی کنیم.» همین اعتقاد به به‌روزرسانی در قوانین باعث می‌شود از او دوباره در خصوص اعتقاد شخصی‌اش نسبت به ممیزی بپرسند و بگویند: «قوانین در نظام اجتماعی مبتنی بر قوانین مشخص است و این قوانین دولت‌ها را مدیریت می‌کند، حتماً دولت و حکامیت مبتنی بر قانون عمل می‌کنند و اگر جز این باشد، سنگ روی سنگ بند نمی‌شود. البته نهادهای مدنی می‌توانند منتقد و معترض باشد یا پیشنهاد دهند، لذا با تفکیک این دو حوزه از یکدیگر، باید این مساله را مدنظر قرار دهیم که نهاد دولت، نهاد مجری قانون است منتها باید به‌دنبال این هم باشد که قوانین را اصلاح کند و قوانین بهتری برای جامعه به ارمغان آورد اما مادامی که قانونی وجود دارد، نمی‌تواند بگوید من به این قانون اعتقاد ندارم و آن را اجرا نمی‌کنم.»

حالا سیدعباس صالحی در ابتدای راهی سخت برای مدیریت فرهنگ قرار گرفته است؛ راهی که شاید کمی شبیه به همان سال‌شروع‌کارش به عنوان وزیر در دولت دوازدهم باشد. بیشترین موضوعی که کمک‌کننده اوست تا این مسیر را راحت‌تر برود معاونان و مدیرانی هستند که قرار است با او در این مسیر همراه شوند.



حسام آئینوس
خبرنگار

خبر کوتاه بود: «سیدعباس صالحی به عنوان وزیر پیشنهادی فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت چهاردهم به مجلس معرفی شد.» او که سه‌سال پیش ساختمان خیابان کمال‌الملک بهارستان را ترک کرد و راهی موسسه اطلاعات شد، حالا نامش از سوی دولت به عنوان وزیر پیشنهادی مطرح شده است. صالحی چهره‌ای است که اغلب اهالی فرهنگ و هنر در طیف‌های گوناگون سیاسی و فرهنگی خاطره‌خویشی از دوران وزارتش دارند که این به‌خاطر روحیه تعاملی او در مواجهه با بازیگران عرصه فرهنگ بوده و همین سبب می‌شد حتی اگر در عملکرد هم موفق نبوده باشد، تعامل روادارانه‌اش دل‌های بسیاری را به سمت او جلب کند. در ادامه می‌خواهم یکی دو مورد از نکاتی را که صالحی با آنها روبرو خواهد شد و در دوران مدیریت قبلی‌اش نیز وجود داشت، مرور کنم.

دوره مدیریت پشت‌درهای بسته و در غیاب مردم گذشته است، «بعید است کسی این حرف‌های وی را در جلسه بررسی صلاحیتش به‌عنوان وزیر پیشنهادی فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت دوازدهم در مجلس شورای اسلامی درخاطر داشته باشد ولی با نگاهی به کارنامه صالحی می‌توان به مواردی اشاره کرد

بازگشت صالحی به بهارستان با چراغ سبز

که نشان می‌دهد او اتفاقاً در موارد بسیاری خلاف این گفته عمل کرده است. برای نمونه در ماجرای مجوزهای صوت و تصویر، دولت دوازدهم تمام اختیارات را به صداوسیما منتقل کرد، در صورتی که تا پیش از آن این حیطه در حوزه اجرای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بود که در دوران وزارت سیدعباس صالحی این اختیارات به سازمان دیگری منتقل شد که در دولت سیزدهم حواشی و جدال بسیاری پیرامون آن ایجاد شد و اینکه آیا مجوزها در اختیار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است یا در اختیار رسانه ملی، سبب شد در نهایت حکم به نفع صداوسیما صادر شود. در واقع صالحی به‌راحتی «پشت در بسته» تصمیم گرفت تا از حیطه اختیارات وزارتخانه‌اش دست بردارد و به نفع سازمان دیگری دامنه اختیاراتش را از دست بدهد. هرچند نباید منکر فشارهای نهاد‌های بالادستی بود ولی به‌هرصورت هدف نشان دادن فاصله حرف تا عمل صالحی در مسند وزارت است.

او در دوران وزارتش با مساله حضور امنیتی‌ها در فرهنگ سرشاخ بود و بارها درباره این حضور حرف زده بود: «حوزه امنیت فرهنگی را باید با نگاه فرهنگ حل کرد.» او جای دیگری درباره مساله ورود نگاه امنیتی به فرهنگ گفت: «نهاد حافظ امنیت در کشور باید تعریف مشخص خودش را پیدا کند تا مجموعه‌های مختلف نتوانند با عنوان حفظ امنیت وارد حیطه فرهنگ شوند.» دورانی که ظاهراً دستگاه‌های امنیتی سایه‌شان بر حوزه فرهنگ سنگین شده بود و صالحی به فراخور، سعی می‌کرد با این اشارات به فشارهایی که متحمل شده بپردازد. او بارها به حل مساله فرهنگ با نگاه فرهنگی اشاره کرد ولی ظاهراً نتوانست از پس آنها برآید. اتفاقی که سبب شد او با دستگاه امنیتی کج‌دار و مریز تا روزهای آخر دولت دوازدهم همراهی کند و همین سبب شد بسیاری به این جمع‌بندی برسند که صالحی قدرت رویارویی و پنجه در پنجه شدن با دستگاه‌های بیرون از وزارتخانه را ندارد. او تلاش می‌کرد با گفت‌وگو و تعامل این مشکلات را مرتفع کند ولی ظاهر امر چیز دیگری را نشان می‌داد، ازجمله می‌توان به لغو مجوزها و توقیف شدن کتب مختلف اشاره کرد که بی‌سروصدا صورت می‌گرفت و دولت هم اقدامی برای پاسخگویی از خود نشان نداد. هرچند حضور این دستگاه‌ها در دولت سیزدهم نیز وجود داشت ولی آن دولت تلاش می‌کرد آن را گردن نگیرد و سیدعباس صالحی با همان روحیه میان‌داری سعی بر حل مشکل داشت که ظاهراً موفق از میدان خارج نشد. «دستگاه‌های غیرمسئول» عنوانی بود که در دولت سیزدهم از سوی برخی ناشران به دستگاه‌هایی داده شده بود که به ارشاد فشار می‌آوردند، حالا باید دید برنامه او برای مواجهه این دستگاه‌ها در دوران وزارتش چه خواهد بود؟ به‌هرصورت اهالی فرهنگ، اعم از شاعر، سینما، موسیقی و مطبوعات با روی کار آمدن احتمالی صالحی از او توقع پاسخگویی دارند. مساله‌ای که او هفت‌سال پیش گفته بود که دامنه‌اش نامحدود است و با توجه به دامنه محدود اختیاراتش در وزارتخانه در عمل امکان‌پذیر نیست. عملکرد او نشان می‌دهد خیلی دنبال حاشیه‌سازی نیست و درصدد در افتادن با نهاد‌های غیرپاسخگو برنخواهد آمد اما همین دستگاه‌ها فشار بسیاری بر بازیگران عرصه وارد می‌کنند و نمی‌توان با پاسخ ندادن یا دوپهلوی عمل کردن آنها را راضی نگه داشت. او تلاش می‌کند با تعامل فشارهای دستگاه‌های غیرمسئول را کاهش دهد، هرچند بعید است توانایی مدیریت شفاف و در حضور مردم در عرصه فرهنگ را داشته باشد. اگر صالحی بتواند در برابر فشارهایی که به وزارتخانه‌اش وارد می‌شود، مقاومت کند و به عبارتی «زود و ندهد» (اتفاقی که در دوران وزارتش شاهد آن بودیم) می‌تواند عملکرد خوبی از خود نشان بدهد.

صالحی با تمام نکات مثبتی که در عملکردش وجود دارد و می‌توان به آنها اشاره کرد، بازماندگی دولت مسعود پزشکیان در فرهنگ است. رئیس‌دولتی که گفته می‌شود به‌راحتی می‌توان او را مدیریت کرد، حالا در حوزه فرهنگ دست به انتخابی زده که این شائبه درباره‌اش وجود دارد که به‌راحتی می‌توان مدیریتش کرد.